بسم الله الرحمن الرحيم

وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

قدرت نرم و امنیت نرم

«چالش‌ها و راه‌کارهای فراروی جهان اسلام»

تدوین: حمید حلمی‌زاده

مترجم: میثم شیروانی

با مقدمه

دکتر اصغر افتخاری

فهرست مطالب

سخن ناشر ۱۳
یادداشت مترجم ۱۵
یادداشت دکتر سعید یعقوب ۱۷
مقدمه تدوین‌گر ۳۷

مقدمه: برتری قدرت نرم؛ بازخوانی نظریه‌ی «جهاد» در قرآن کریم..... ٤٥

کلیات..... ٤٥
۱. مبانی مفهومی ٤٦
۱–۱. قدرت سخت/ نرم ٤٧
۲–۱. جنگ سخت/ نرم..... ٤٧
۳ـ۱. جهاد..... ٤٨
٤–۱. قتل و قتال ٤٨
٥–۱. راهبرد ٤٩
۲. نظریه‌ی قرآنی جهاد ٤٩
۱–۲. دیدگاه‌ها ٥٠
۱–۱–۲. دیدگاه حداکثری ٥٠
۲–۱–۲. دیدگاه حداقلی..... ٥١

۲-۲. گونه‌شناسی جهاد..... ۵۲
۱-۲-۲. جهاد الهی ۵۲
۲-۲-۲. جهاد «توحیدی»..... ۵٤
۳-۲-۲. جهاد «سَبیل اللهی»..... ۵٦
٤-۲-۲. جهاد مساعدتی (مَعیّه) ۵۸
۵-۲-۲. جهاد کبیر (همه جانبه)..... ٦۰
٦-۲-۲. جهاد عمومی..... ٦۱
نتیجه‌گیری ٦۳
یادداشت‌ها..... ٦۵
فهرست منابع ٦۷

فصل ۱. دیدگاه امام خمینی(ره) درباره مفهوم محو اسرائیل..... ۷۱

۱-۱. کلیات ۷۱
۲-۱. دیدگاه‌ها ۷٤
۱-۲-۱. شیخ نبیل حلباوی ۷۵
۲-۲-۱. دکتر طلال ناجی ۷۷
۳-۲-۱. نشأت حمارنه ۸۰
٤-۲-۱. استاد ابوفاخر..... ۸۷
۵-۲-۱. حاج حسن حدرج ۸۹
٦-۲-۱. استاد ابوهادی منیر ۹۲
۷-۲-۱. استاد خالد عبدالمجید ۹٤
۸-۲-۱. حجت الاسلام تسخیری..... ۹۷
۹-۲-۱. شیخ نبیل حلباوی ۱۰۱
۱۰-۲-۱. حاج حسن حدرج ۱۰٤
۱۱-۲-۱. دکتر طلال ناجی ۱۰٦
۱۲-۲-۱. ابو فاخر ۱۱۱

۱۳–۲–۱. دکتر نشأت حمارنه ۱۱٤
۱٤–۲–۱. خالد عبدالمجید ۱۱٦
۱۵–۲–۱. ابوهادی منیر ۱۱۸
۱٦–۲–۱. حجت الاسلام تسخیری ۱۲۱
۱۷–۲–۱. جمع‌بندی ۱۲٤
۳–۱. امام خمینی(ره) پیشگام مبارزه با صهیونیسم (مصطفی طلاس) ۱۲۸
٤–۱. اصل کینه و نفرت در یهودیت صهیونیستی: (دکتر حسین شرف الدین) ۱۳۳
۱–٤–۱. شعار عادی سازی روابط ۱۳٤
۲–٤–۱. فرهنگ صهیونیستی و قدرت سخت اسرائیل ۱۳۷

فصل۲. امنیت اسلامی: محورها و اصول نرم‌افزارانه ۱۵۵

۱–۲. کلیات ۱۵۵
۲–۲. گام‌های استراتژیک برای دستیابی به امنیت اسلامی:(آیت‌الله سیدمحمدحسین‌فضل‌الله) ۱۵۹
۳–۲. مبادی نرم‌افزارانه مفاهیم امنیت‌اسلامی: (دکتر عبدالعزیز بن عثمان التویجری) ۱۷۳
٤–۲. تأکید بر جهان شمولی امنیت: (آیت الله محمد علی تسخیری) ۱۷۵
۵–۲. ایجاد جبهه اسلامی واحد: (دکتر اسعد صقر) ۱۷۷
٦–۲. امنیت اسلامی و مقابله با همپیمانی آمریکایی– صهیونیستی: (ادریس هانی) ۱۸۳
۱–٦–۲. جهان اسلام در سایه گسترش امپراتوری آمریکا ۱۸۵
۲–٦–۲. امنیت اسلامی و آینده جهان اسلام ۱۸٦
۳–٦–۲. تهدیدات اسرائیل برای امنیت اسلامی ۱۸۷
٤–٦–۲. امنیت اسلامی و فقدان بازدارنده استراتژیک ۱۹۰
۵–٦–۲ طرح استراتژیک امنیت اسلامی کارآمد ۱۹۱
۷–۲. بنیادهای نرم‌افزاری امنیت اسلامی: (علامه سید عبدالله نظام) ۱۹٤
۱–۷–۲. محورهای داخلی امنیت اسلامی ۱۹۵
۲–۷–۲. محورهای امنیت خارجی ۱۹۷
۸–۲. امنیت اسلامی از منظر قرآن: (علامه شیخ نبیل حلباوی) ۲۰۲

۱–۸–۲. اهمیت طرح مفهوم امنیت اسلامی ۲۰٤
۲–۸–۲. روش‌های تحقق امنیت اسلامی در سایه چالش‌های موجود ۲۰۵
۳–۸–۲. موانع امنیت اسلامی ۲۰۷
٤–۸–۲. ایده‌هایی برای آینده ۲۰۹
۹–۲. محورهای فرهنگی امنیت اسلامی: (دکتر طیب تیزینی)..... ۲۱۰
۱۰–۲. امنیت اسلامی و نظم نوین جهانی: (عزالدین سلیم) ۲۱۳
۱۱–۲. مسلمانان و فلسطین: (بسام الشکعه) ۲۱۸
۱۲–۲. استراتژی امنیت عربی– اسلامی در مواجهه با حمله صهیونیستی – صلیبی:
(مجدی احمد حسین)..... ۲۲۲
۱۳–۲. آگاهی اسلامی منبع قدرت نرم: (دکتر احمد راسم النفیس)..... ۲۲۹
۱٤–۲. تقویت اصل جهان شمولی: (دکتر سهیل زکار) ۲۳۲
۱۵–۲. امنیت با تاکید بر تنوع موجود در کشورهای اسلامی: (خالد المفاهوم)..... ۲۳٤
۱٦–۲. برای مفهوم فرهنگی امنیت: (سید کامل‌هاشمی) ۲۳۸
۱۷–۲. تمدن وامنیت‌ها: صالح الوردانی..... ۲٤۱
۱–۱۷–۲. اولویت خودکفایی اقتصادی ۲٤۱
۲–۱۷–۲. تهاجم فرهنگی..... ۲٤۲
۳–۱۷–۲. نیروی بازدارنده ۲٤۳
۱۸–۲. امنیت و امان: علامه سید (محمد موسوی) ۲٤٤
۱۹–۲. مبانی استراتژیک امنیت نرم اسلامی: (دکتر صبحی الجابی) ۲۵۰
۱–۱۹–۲. مفهوم نرم امنیت اسلامی..... ۲۵۱
۲–۱۹–۲. عناصر امنیت اسلامی ۲۵۲
۳–۱۹–۲. راه‌های حمایت از امنیت اسلامی..... ۲۵٤
۲۰–۲. جمع‌بندی ۲۵۵
۲۱–۲. امنیت اسلامی در سایه نظام تک قطبی: (دکتر حامد البیاتی)..... ۲۵٦
۲۲–۲. مسلمانان اسوه مفهوم امنیت: (دکتر منصور الجمری) ۲۵۹

فصل۳. امنیت اسلامی از منظر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران..... ۲٦۳

۱-۳. کلیات ۲٦۳
۲-۳. راهبردهای ارتقای جایگاه و ضریب امنیتی امت اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای ۲٦۵
۱-۱-۳. اسلام ۲٦٦
۲-۱-۳. امّت اسلامی ۲٦۹
۳-۱-۳. سازمان کنفرانس اسلامی و آفاق آینده ۲۷٤
۲-۳. چهره نرم امنیت اسلامی: (سید محمد خاتمی) ۲۷۷

فصل٤. طرح مجلس همکاری جهان اسلام..... ۲۸۳

۱-٤. دکتر علی عقله عرسان: ۲۸۳
۱-۱-٤. عناصر قدرت معنوی ۲۸٤
۲-۱-٤. عناصر قدرت سخت ۲۸۵
۲-٤. عبدالله نظام ۲۸۷
۳-٤. دمرداش العقلالی ۲۸۹
٤-٤. سید عبدالله نظام ۲۹۳
۵-٤. دکتر زهیر غزاوی ۲۹۳
٦-٤. دکتر عقله عرسان ۲۹۹
۷-٤. استاد مجدی احمد حسین ۳۰۱
۸-٤. مجدی حسین ۳۰۲
۹-٤. دمرداش العقالی ۳۰۵
۱۰-٤. زیاد نخاله ۳۰۵
۱۱-٤. دکتر رفعت سید احمد ۳۰۸
۱۲-٤. دکتر علی عقله عرسان ۳۱۱
۱۳-٤. دکتر زهیر غزاوی ۳۱۵

۱۴-۴. سید عبدالله نظام ۳۱۷
۱۵-۴. استاد مجدی حسین ۳۱۹
۱۶-۴. دکتر علی عقله عرسان ۳۲۱
۱۷-۴. استاد مجدی حسین ۳۲۴
۱۸-۴. زیاد نخاله ۳۲۷
۱۹-۴. دکتر رفعت سید احمد ۳۲۷
۲۰-۴. سید عبدالله نظام ۳۳۰
۲۱-۴. دکتر زهیر غزاوی ۳۳۱
۲۳-۴. استاد مجدی احمد حسین ۳۳۳

فصل۵. وجوه ایجابی و سلبی طرح امنیت نرم اسلامی ۳۳۵

۱-۵. کلیات ۳۳۵
۲-۵. طرح اسلام گرایی و ساز و کارهای شکست توطئه‌های استکباری- صهیونیستی: (آیت الله محمد باقر ناصری) ۳۳۷
۳-۵. افق‌های امیدبخش در راه نهضت امت: (خالد مشعل) ۳۴۸
۴-۵. تبلیغ اسلامی راهی برای خیزش: (دکتر محمد سعید رمضان البوطی) ۳۶۳
۵-۵. طرح اسلام گرایی منسجم: (عفیف نابلسی) ۳۷۴
۶-۵. تجربه تاریخی و اسلام گرایی: (جودت سعید) ۳۸۵
۷-۵. هویت اسلامی در مواجهه با چالش‌های موجود: (عبدالرحمن غنیم) ۳۹۹

فصل۶. تصویرسازی‌های منفی؛ تحلیل توافق نامه‌های ناکارآمد ۴۰۵

۱-۶. توافق نامه «نقشه راه» ۴۰۵

فصل۷. تروریسم بین‌الملل و راهکارهای مقابله..... ٤٦٥

۱–۷. کلیات ٤٦٥
۲–۷. ما و مبارزه با تروریسم: (دکتر حسن الترابی) ٤٦٦
۳–۷. قدرت نرم، بازدارنده تروریسم: (دکتر احمد الریسونی) ٤٧٤
۱–۳–۷. جنگ مفاهیم و واژه‌ها..... ٤٧٤
۲–۳–۷. وجوب به هراس افکندن متجاوزان..... ٤٧٦
۳–۳–۷. حق دفاع از خویش و مقابله به مثل ٤٧٩
٤–۳–۷. مسأله تروریسم در دیدگاه سیاستمداران امروز ٤٨٢
٥–۳–۷. نکات و برخی ضوابط..... ٤٨٣
٤–۷. وظیفه رسانه در جلوگیری از اتهام تروریسم: (دکتر خلف جراد) ٤٩٠
٥–۷. تروریسم از چند منظر: (دکتر عبدالمحسن یوسف جمال)..... ٥٠٨
٦–۷. تعریف و تحلیل تروریسم: (عبدالرحمن النعیمی)..... ٥١٢
۷–۷. عاملان تروریسم: (آیت الله محمد مهدی آصفی)..... ٥١٩
۸–۷. معانی تروریسم: (دکتر ناصر صرخوه) ٥٢٢
۹–۷. تروریسم علیه مسلمانان به خاطر ثروت مسلمانان: (دکتر حافظ الجمالی)..... ٥٢٨
۱۰–۷. آزاد سازی انرژی‌های امت: (دکتر محمد الهاشمی الحامدی) ٥٣٣
۱۱–۷. راهکارهای تروریسم: (سید افتخار نقوی) ٥٣٥
۱۲–۷. سازمان ملل و تروریسم: (شیخ احمد کفتارو)..... ٥٤٠

فصل۸. منابع قدرت نرم امنیت اسلامی..... ٥٤٥

۱–۸. کلیات ٥٤٥
۲–۸. بیداری اسلامی: (دکتر کمال الهلباوی) ٥٤٧
۱–۲–۸. استراتژی‌های جنبش‌های اسلامی..... ٥٤٨
۲–۲–۸. عوامل حاکم بر روابط میان استکبار جهانی و بیداری اسلامی ٥٥١
۳–۲–۸. برچسب تمدن غرب..... ٥٥٤

۸-۲-٤. آینده تمدنی بیداری اسلامی و روش ایجاد آن..... ٥٥٤
۸-۲-٥. درس‌هایی از بحران‌های امت..... ٥٥٦
۸-۳. ترتیب اولویت‌های استراتژیک و سیاسی: (دکتر عارف دلیله)..... ٥٥٨
۸-٤. التزام دینی: (دکتر عزت سید احمد)..... ٥٧١
۸-٥. تقویت آگاهی اسلامی: (دکترعبدالکریم یافی)..... ٥٧٤
۸-٦. سازندگی و تعالی: (حامد ترکی)..... ٥٧٩
۸-۷. روابط فراگیر درون جهان اسلام: (توفیق المدینی)..... ٥٨٢
۸-۸. آموزش و پرورش آینده نگر: (دکتر محمود احمد سید)..... ٥٨٤
۸-۹. انسجام درونی: (نصر شمالی)..... ٥٨٩
۸-۱۰. مرجعیت نگاه اُمتی: (دکتر محمد عبداللطیف صالح فرفور)..... ٥٩٥
۸-۱۱. همبستگی حقیقی: (احمد عبدالکریم)..... ٦٠٠
۸-۱۲. صلح فراگیر میان حکومت‌ها: (ابوزید المقری الادریسی)..... ٦٠٤
۸-۱۳. توان‌مندی فکری و عملی: (برهان بخاری)..... ٦٠٨
پیوست‌ها..... ٦١٥
پیوست اول: پیام روز جهانی قدس..... ٦١٧
پیوست دوم: کنفرانس شرم الشیخ..... ٦١٩
پیوست سوم: متن کامل نقشه راه..... ٦٢٠

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَـٰنَ عِلْمًا ۖ وَقَالَا ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى فَضَّلَنَا
عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ ٱلْمُؤْمِنِينَ

(قرآن سوره مبارکه النمل آیه شریفه۱۵)

سخن ناشر

اگرچه طراحی و عرضه نظریه قدرت نرم و مفاهیم مرتبط با آن ــ از قبیل امنیت نرم– جدید می‌نماید، اما بررسی تحلیلی متون و تجارب جهان اسلام، حکایت از آن دارد که مبانی و اصول معرفتی گفتمان نرم افزارانه، به شکلی منسجم و با مبادین متفاوت– اما کارآمد در مکتب اسلام و جود داشته و در مقام عمل شاهد تأثیرگذاری آن‌ها بوده‌ایم، اگرچه طراحی آن‌ها به شکل نظریه خیلی دیر هنگام انجام گرفته است.

اثر حاضر از دو حیث در خور توجه می‌نماید. نخست آن که: رویکردی جدید به مقوله امنیت و قدرت نرم را مطرح ساخته که مستند آن منابع اسلامی و تجارب بازیگران مسلمان است. به عبارت دیگر تلاشی جمعی برای فهم مبادی نرم افزارانه قدرت و امنیت در گستره اسلامی صورت گرفته، که می‌تواند نقطه آغازین خوبی برای مطالعات انتقادی و اصلاحی

بعدی باشد. دوم آن‌که: مبتنی بر تلاش علمی جمعی از اندیشه‌گران مسلمان است و از این حیث می‌تواند در آن دیدگاه‌های مختلف را سراغ گرفت.

با عنایت به ضرورت‌های ناظر بر توسعه مطالعات دینی در حوزه قدرت و امنیت نرم، ناشر اثر حاضر را در خور ترجمه و نشر یافته که بدین و سیله ضمن تشکر از مترجم گرامی، این مجلد را تقدیم اساتید، دانشجویان و مدیران حوزه فرهنگی می‌نماید. ناشر امیدوار است، از این طریق بتواند در توسعه مطالعات قدرت نرم (که تاکنون هشت مجلد آن توسط دانشگاه امام صادق علیه السلام منتشر شده) گام مؤثری بردارد. ضمناً اعلام می‌دارد که هفت عنوان دیگر از این مجموعه در حال نهایی شدن و انتشار است که ان‌شاءالله بزودی تقدیم علاقه مندان می‌گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه

یادداشت مترجم

مشوق ترجمه اثر حاضر مشارکت قلمی و بیانی تعداد قابل توجهی از نخبگان جهان اسلام بود که آثار آن‌ها با گرایش‌های فکری و ملیت‌های مختلف یکجا جمع شده بود؛ نخبگانی که از برخی حتی یک صفحه به زبان فارسی وجود ندارد. خواننده با مطالعه اثر حاضر، ذائقه فکری و شیوه بیان جمعی از نخبگان را خواهد چشید و با در کنار هم قرار دادن ذائقه‌ها و شیوه‌های بیان تا حدودی سطح و سقف فکری حاکم بر بخشی از جهان اسلام را ادراک خواهد کرد.

روح کلی حاکم بر کتاب، حاکی از خستگی نویسندگان و سخنرانان از استبداد حاکم بر بخش عمده از جهان اسلام است که در کنار نفرت از مداخله‌های بیگانگان، به مثابه شمشیری است که بر قلب امت فرو رفته است... اما گاه مدعیات نویسندگان چنان شعاری می شود که به بیانیه‌های سیاسی می‌ماند و گاه از ذکر بدیهیات فراتر نمی‌رود اما در مواردی خواننده احساس می کند نویسنده یا سخنران حرفی نو دارد.

علی‌رغم گذشت چند سال از چاپ اثر اصلی از آنجا که هنوز مشکلات جهان اسلام حل نشده است و همان است که بود، مباحث جز در مواردی که اشاره به مسائل سیاسی روز دارد، رنگ کهنگی نگرفته است.

یادداشت دکتر سعید یعقوب[1]

راه خداوند و راه ملت یک راه است و به تعبیر یک نویسنده ایرانی حرکت به سوی خداوند بدون مردم رهبانیت و صوفی‌گری است نه اسلام حقیقی. به نظر می‌رسد عظمت اسلام در این قدرت پنهان نهفته است که هر انسان مسلمانی هر چند تنها، مسئول است. مثال همیشگی این مسئولیت‌پذیری سرور شهیدان جهان امام حسین(ع) است. او خود را در شرایطی دشوار تنها یافت به گونه‌ای که همه امور به سوی انحطاط می‌رفت و نیروهای ظلم در صدد خاموش ساختن حقیقت و بر باد دادن ارزش‌ها و محو نشانه‌های قدرت و رسالت اسلام بودند. این هجوم مشرکانه روز به روز در حال شدت گرفتن بود؛ به گرسنگی و بندگی می‌کشاند، آزار و شکنجه می‌داد و کشتار و ترور و تبعید می‌کرد و نیز شامل تبعیض طبقاتی و خرید و فروش اعتقادات و وجدان‌ها و جهل دینی و جاهلیت دوباره بود، اموری که امروزه نیز شاهد آن هستیم.

---

۱. دکترای فلسفه از دانشگاه کالیفرنیا (آمریکا)، عضو اتحادیه نویسندگان عرب.

حسین(ع) هر چند قادر به حمله مسلحانه و یک انقلاب گسترده نبود اما از سویی اهل ذلت و تسلیم نیز نبود. حسین(ع) در جبهه حقیقت و آگاهی و عدالت تنها بود. او در برابر نیروهای ظلم و طغیان و ارزش‌های تحریف شده و جعلی تنها بود... او در میان هیاهوی اسراف و عیاشی و سپاهیان مست غنیمت و چپاول که راه به سویی جز نشر رسالت و ارزش‌های دعوت الهی داشتند، تنها بود... او به تنهایی باید دست به قیام می‌زد زیرا مسئولیتش او را به قیام فرا می‌خواند. به تعبیر شهید مطهری: در مدرسه اسلام، انسان مسئول است هر چند تنها باشد، زیرا آنچه تعیین کننده مسئولیت در اسلام می‌باشد آگاهی و ایمان است نه قدرت و امکانات.

همان‌گونه که اشاره شد قدرت اسلام در این نهفته است که در اسلام هر فرد به تنهایی هم مسئول است، از این رو مسأله جدایی دین از سیاست برای اسلام غریب و بیگانه است و همین قدرت پنهان یا به عبارتی قدرت احساس مسئولیت فرد فرد مسلمانان است که غرب را می‌ترساند. کاردنه در این زمینه می‌نویسد: «قدرتی که در اسلام نهفته است همان چیزی است که اروپا فاقد آن است».[۱] به تعبیر لورانس براون آنچه موجب هراس اروپاشده است نظام اسلام و زنده بودن آن می باشد.[۲]

دین اسلام رحمتی برای همه جهانیان است. این دین حامل والاترین عقیده‌ها یعنی عقیده توحید و برافراشتن پرچم عدالت و حقیقت و دین است. این دین، تمدنی را تأسیس کرد که تمام اروپا را از نور علم و معرفت و تسامح روشن ساخت و اروپا را از رکود و جهل (قرون وسطایی‌اش) بیدار کرد. و احساس آزادی و دموکراسی را در نفوس اهالی سرکوب شده آن به حرکت درآورد و به آن‌ها با شکوه‌ترین مظاهر محبت و خیر و زیبایی و

---

۱. التبشیر و الاستعمار فی البلاد العربیه، فروخ و خالدی، ص۳۱.

۲. همان، ص۱۸۷.

والاترین نظام فکری را عرضه کرد چنان‌که به کل بشریت بهترین نظام اداری و خدمات اجتماعی را ارائه نمود. اما پس از آن‌که حکام و برخی خواص این کشورها متوجه (عظمت اسلام و آگاهی بخشی آن) شدند به خود آمدند و ضرورت جنگ علیه اسلام را دریافتند و مردم خود را علیه آن شوراندند. برای مثال لورنس براون تصریح می‌کند که «اتحاد مسلمانان در یک کشور واحد، [از منظر پاره‌ای از سیاست‌مداران اسلام ستیز] می‌تواند مصیبتی برای همه جهان باشد». و همه می‌دانیم یا شنیده‌ایم که چگونه وزیر مستعمرات انگلیس (گلداستون) در سال ۱۸۹۵ در میان همکارانش در مجلس وزرای انگلیس قرآن کریم را به دست گرفت و با اشاره به آن گفت: «انگلیس در میان اعراب و مسلمانان به هیچ یک از اهداف خود نخواهد رسید مگر این‌که ابتدا به حاکمیت این کتاب به آن‌ها پایان دهد. حاکمیت این کتاب را از آن‌ها بگیرید آن وقت همه موانع در پیش روی شما شکسته خواهد شد.»[۱]

اما منصفان و افراد عادل در غرب به حقیقتی والا اعتراف کرده‌اند. روژه گارودی می‌نویسد: «فتح اروپا توسط اعراب و رفع آنارشی فئودالیسم و سلسله متعلقات آن توسط مسلمانان موجب نوسازی تمدن و ایجاد نشاطی جدید برای جهان گردید و شرایط اقتصادی و اجتماعی تمدن جدید را فراهم آورد. عامل تعیین کننده این پیروزی آن بود که فاتحان عرب با خود اشکالی مترقی از نظام اقتصادی و اجتماعی را به اروپای دارای نظام پوسیده ارباب رعیتی و نظام متحجرانه و پاره پاره فئودالیته بردند. این نظام مورد استقبال و التزام بسیاری از ملت‌ها قرار گرفت، چون آن را منطبق بر نیازهای خود می‌دیدند. از قرن ۸ تا قرن ۱۵ میلادی، مسلمانان ثروتمندترین و زیباترین تمدن شکوفا را بنا نهادند و این درست در قرون وسطی یعنی

---

۱. الغازه علی العالم الاسلامی: شاتلییه.

زمانی بود که کشورهای شمال (اروپا) در جنگ‌های مذهبی فرو رفته بودند و همچون قبایل بدوی به جان یکدیگر می‌افتادند. جمعیت ملت اسپانیا در طول حاکمیت اسلامی بر این کشور به ۳۰ میلیون نفر رسید و اکتشافات جدید و نیروهای مبتکر جدیدی در این کشور تولد یافت.»

در کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت، جلد اول، صفحه هفتم، نوشته شده است: «برخی از مردم اروپا در قرن ۱۱ میلادی هنوز از گوشت انسان‌ها تغذیه می‌کردند و این پدیده در میان ساکنان ایرلند و حتی اهالی دانمارک رایج بود. این ثابت می‌کند که تا آن قرن (قرن ۱۱) گوشت انسانی از عناصر تغذیه میان بسیاری از قبایل اروپایی بوده است و اساساً مردم چیزی به اسم خاکسپاری نمی‌شناختند. در جزیره جدید انگلیس نیز گوشت انسانی در مغازه به فروش می‌رفت درست همان‌طور که امروزه قصاب‌ها گوشت حیوانی را می‌فروشند».[۱]

و در آخر از بلاسکو ایانیز نقل قولی می‌آوریم: «رنسانس در اسپانیا از شمال و توسط سپاهیان بربری نیامد بلکه رنسانس از جنوب و توسط فاتحان عرب و طی یک حمله تمدنی به این کشور وارد شد... و از اینجا بود که این فرهنگ نو و قوی به ما رسید؛ فرهنگی با سرعت انتشار شگفت‌انگیز به گونه‌ای که بلافاصله پس از پیدایش جهانگیر شد... و این شرق بود که اروپا را گرفت.»[۲]

اما علی‌رغم این همه، چیزی از بیداری اروپا (توسط مسلمانان) نگذشته بود که اروپا علیه اسلام و مسلمانان توطئه کردند و شروع به تکرار این

---

۱. الغارة، ویل دورانت، مجلد ۱، ص٦، و مصدر سابق الذکر.

۲. الصهیونیه بدایه و نهایه، ص٤٤.

جمله که: «خداوند نژاد آنگلوساکسون را برای متمدن ساختن جهان برگزیده است»، نمودند.

پس از آن برنامه‌ریزی همه جانبه‌ای مبتنی بر تحقیقات علمی آغاز شد. این تحقیقات توسط هیأت‌های رسمی و مسیونرهای مسیحی (که به کشورهای اسلامی اعزام می‌شدند) با واقعیات جهان اسلام تطبیق داده می‌شد. تأمین مالی این تحقیقات و اعزام‌ها بر عهده حکومت‌های اروپایی و آمریکایی بود و هدف آن خارج ساختن مسلمانان از دین اسلام و وارد ساختن آن‌ها به جهان مشرکانه غربی و زندگی به دور از نور توحید بود... به عنوان یک نمونه در این‌جا نقلی از شاتلییه در کتابش «الغاره علی العالم الاسلامی» می‌آوریم. شاتلییه می‌نویسد: «از این جا روشن می‌شود که هیأت‌های اعزامی مسیونری که از دارایی‌های فراوانی برخوردار بودند، با چنان تدبیر و حکمتی برنامه‌های خود را اجرا می‌کردند که بیشترین سود را در کشورهای اسلامی از آن خود کنند و در همین راستا به نشر افکار اروپایی و به تعبیر من، شرک غربی می‌پرداختند. لازم به ذکر نیست که این مسیونرها نه به خاطر عشق به حضرت مسیح(ع) به این اقدامات دست می‌زدند بلکه برای سلطه بر این امت و سلطه بر امکانات آن و جلوگیری از مشارکت مسلمانان در توسعه و سعادت جهان بود. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های استعمار که انگلیس آن را نمایندگی می‌کرد، گماشتن افرادی در جهان اسلام بود که به امر انگلیس برای تخریب و تعطیل کردن عقاید اسلامی و تهی سازی محتوای فکری عقاید اسلام با گرفتن وعده‌ها و تسهیلات و اموال و حمایت‌ها و همکاری‌هایی از جانب استعمار، مدعی نبوت شوند. در این راستا بود که رکن جهاد که سنگ بنای مقابله با طمع ورزی‌های استعمار بود لغو شد تا شریعت اسلامی تعطیل شود و مسلمانان به آن باز نگردند و تا استعمار شعله‌های برانگیزاننده عشق فداکاری و روح

شهادت طلبی در راه خدا و برای دفاع از وطن و سرزمین و عقیده را در نفوس مسلمانان بمیراند. و این از آن جهت بود که استعمار بتواند سرزمین‌های عربی و اسلامی را بدون هیچ مقاومت و دفاع و عملیات شهادت طلبانه یا به تعبیر خودشان «عملیات انتحاری» اشغال کند. این حرکت‌های استعماری و بدعت‌ها از ابتدای قرن ۱۹ آغاز شد. سه حرکت در آن مقطع در جهان غرب ظهور کرد:

اول. حرکت شاهدان یهوه: در سال ۱۸۷۲ در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت. مؤسس آن رومل بود که به نزدیکی ظهور مسیح و آغاز دوره هزاره جدید بشارت می‌داد. پیروان این حرکت امروزه نیز درآمریکا فراوانند.

دوم. حرکت اومانسیم که مبدع و مؤسس آن آگوست کنت(۱۷۹۸–۱۸۵۷) بود.

سوم. حرکت بنیادگرایی انجیلی: این حرکت را جان نلسون داربی (۱۸۰۰–۱۸۸۲) تاسیس کرد. وی معتقد بود اسرائیل کشور خدا بر روی زمین است و کلیسا کشور خداوند در آسمان است. تعالیم وی بر پایه تفکر مسیحیت صهیونیستی بود. گفته می‌شود زمانی وی در کلیسایی در انگلیس کشیش بوده است. سایروس سکوفیلد در ایالات متحده آمریکا این نظریه داربی را اخذ کرد و آن را پیشرفت داد، به گونه‌ای که به پایه جنبش‌های بنیادگرایی انجیلی در آن منطقه و کانون فعالیت‌های صهیونیستی تبدیل شد.

اما از بدعت‌هایی که در دین اسلام و در طی حکومت عثمانی گذارده شد به طور خلاصه مواردی ذکر می‌شود تا از بحث دور نشویم.

اول. حرکت سید احمد خان (۱۸۰۰–۱۸۹۸): از جمله نظریات وی این بود که پیشرفت اروپا جز محصول کنار نهادن دین و رجوع به قوانین طبیعت نبود. وی قرآن را از دیدگاه خود تفسیر می کرد و معجزات قرآن را انکار کرد و اعلام نمود نبوت هدفی است که با تربیت نفس قابل دستیابی است. وی ارزش جهاد را تضعیف کرد و ندای انسانیت ادیان را سرداد. او

دانشکده‌ای در علیگره هند برای نشر نظریات و مکتب خود تأسیس کرد همچنین مجله تهذیب اخلاق را منتشر ساخت و به توجه در روح قرآن به جای توجه به ظاهر قرآن و به تفسیر قرآن در پرتو عقل و وجدان دعوت کرد. وی اعلام کرد که وحی از جنس معنا است و نه لفظ و خواستار توجه به علم و پیشرفت بود. سیداحمدخان دارای نقاط مثبت و منفی بود و درباره او اختلاف نظر فراوانی وجود دارد.

دوم. بابیت در ایران که در سال ۱۸٤٤ به دست علی محمد شیرازی پدید آمد و خود را باب نامید. پس از آن بهائیت توسط حسن علی مازندرانی (بهاءالله) تاسیس شد. باب در ایران اعدام شد و بهاءالله به عراق تبعید شد و سپس در فلسطین (اشغالی) ساکن شد و صهیونیسم او و حرکتش را کمک مناسبی برای خود دید و از فعالیت‌های آن به اشکالی استفاده کرد. بهائیت همچنان تا به امروز مراکزی را در فلسطین اشغالی دارد.

سوم. قادیانی‌گری در هند: در قرن ۱۹ به دست میرزا غلام احمد قادیانی تأسیس شد، کسی که ادعا کرد مهدی منتظر و هم مسیح موعود است وی با این استدلال که انگلیسی‌ها در هند اولوالامر هستند مردم را دعوت به لغو جهاد و اطاعت از انگلیس کرد.

چهارم. استعمار همچنین تلاش کرد با تعلیم زبان‌های اروپایی و افتتاح مدارس و اعزام افراد و تأسیس مؤسسات و دانشگاه‌ها و به علاوه تشویق برخی جنبش‌ها و احزاب و حرکت‌های تبلیغی دینی مخرب که طبعاً در نقاط مختلف جغرافیایی جهان اسلام پدید آمده بودند، در خود جهان اسلام مزدورانی را برای خود دست و پا کند.

پنجم. سپس در سال ۱۸۹۷ بود که کنفرانس اول صهیونیسم جهانی در شهر بال سوئیس برگزار شد و با توجه به نفوذ صهیونیسم در انگلیس و در حکومت و کلیساها و دولت‌های پی در پی آن و همچنین در مطبوعات و

بانک‌های این کشور، انگلیس به اولین حامی جنبش صهیونیسم تبدیل شد و چنان شد که کرومویل اعلام کرد که وجود صهیونسیم در فلسطین موجب زمینه‌ساز بازگشت دوباره مسیح خواهد بود.[۱] پیش از آن نیز حرکت صهیونیستی مخرب دیگری در روسیه تزاری آغاز شده بود و صهیونیست‌ها در اوایل قرن ۱۹ در دستگاه‌های روسیه تزاری نفوذ کرده بودند و برای گسترش عقاید شبه یهودی در میان مسیحیان روسیه تلاش می‌کردند و در میان مسیحیان این کشور این بدعت را گسترش دادند که زمان بازگشت به عهد عتیق برای محافظت از ایمان اباء یهود فرا رسیده است ... اما تزار روس در برابر این بدعت مقاومت کرد و یهودیان در سال ۱۸۲۵ او را مسموم کردند. آن‌ها همچنین تزار نیکولای اول را در سال ۱۸۵۵ کشتند و پس از آن تزار الکساندر دوم را در سال ۱۸۸۱ ترور کردند و بعد از گذشت مدت زمان طولانی روشن شد که آن فعالیت‌های مخرب در داخل روسیه با هدایت اتحادیه جهانی اسرائیل بوده است که در سال ۱۸٤۰ در پاریس به رهبری روچیلد، ملیونر یهودی، تاسیس شده بود، فردی که فعالیت‌های مخرب خود را از سال ۱۸٦۰ همزمان در روسیه و آلمان و فرانسه و انگلیس و ایالات متحده آمریکا پی گرفت ... تا آن‌که دامنه این فعالیت‌ها تمام کشورهای اروپایی را در آن زمان فراگرفت به گونه‌ای که حتی عامل جاسوسی روسیه (کنیاز دالکورکی) که به عنوان مترجم سفارت روسیه در تهران فعالیت می‌کرد و سپس سفیر شد نیز (جزء این جریان بود)... سخن در این زمینه بسیار است. به اواسط قرن ۲۰ می‌رویم که صدها، روزنامه و مجله و ده‌ها کتاب با هدف کمک به پایه‌های استعمار و دشمنی با اسلام و تلاش برای ریشه‌کنی آن از قلوب مردم منتشر می‌شد.

---

۱. النبوئه و السیاسه، هالسل، ترجمه محمدالسماک.

پس از آن بود که استعمار بر نسل جدید جهان اسلام تسلط یافت و تربیت و آموزش این نسل را به سمت و سوی خاصی گرایش و جهت داد و به انتشار کتب اباحی‌گری و مجلات فاسد و فاسدکننده و فیلم‌های سینمایی مبتذل و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بی‌مایه و تضعیف حاکمیت اسلام در نفوس مردم و مخدوش سازی تاریخ اسلام و برانگیختن فتنه‌های طایفه‌ای و نژادی و منطقه‌ای میان اهالی و شهروندان این مناطق و نشر الحاد و جایگزین کردن قوانین قراردادی و نشر فلسفه‌های مادی و بسیاری از اقدامات دیگر پرداختند. بسیاری معتقدند که غرب، اسرائیل را در قلب جهان اسلام تاسیس کرد تا مانع هرگونه بیداری اسلامی شود، اما [در عین صحت این مدعا] ما مشاهده می‌کنیم که چه بسا زیانی که غرب از این اقدام (تاسیس اسرائیل) می‌بیند بیش از زیان شرق است؛ به این دلیل که صهیونیسم موفق به تصرف اذهان و قلوب غربی‌ها و تخریب عقاید آن‌ها گردید در حالی که صهیونیسم به سبب جنایاتش موجب گردید تا مسلمانان بیش از پیش به دینشان متمسک شوند.

امام خمینی(ره) در ۱۹۸۳/۱۲/۲۲ در سخنانی، ادعاهای اسرائیل را تکذیب می‌کند و می‌گوید: «رادیو اسرائیل نصایح موسی(ع) را زیاد نقل می‌کند ولی وضع فعلی اسرائیل چگونه است؟ ویژگی اسرائیل چگونه است؟ موسی(ع) یک چوپان بود و جز عصایش هیچ نداشت، با آن شیوه‌ای که در تاریخ شده رنج کشید و زندگی کرد و با این وجود علیه بزرگترین قدرت زمانش قیام کرد بدون این‌که چیزی از دنیا داشته باشد یا هیچ تعلقی به دنیا داشته باشد در حالی که می بینیم وضع مدعیان پیروی از او در دنیای کنونی چگونه است. بر بزرگترین سرمایه‌های آمریکا سلطه دارند و قدرت مادی آمریکا را به دست گرفته اند و ادعا می‌کنند به شریعت موسی(ع) اعتقاد دارند.»

این قدرتی که اسلام به طور ویژه در اختیار دارد در هیچ دوره‌ای از دوره‌های اسلام مورد حمایت هیچ حامی خارجی نبوده است، بلکه متکی بر خود اسلام بوده است و ریشه در نفوس مسلمانان داشته و [البته] متاسفانه در صحنه عملی و در عرصه حکومت و اداره جامعه از قدرت اسلام [بصورت بایسته‌ای] بهره گرفته نشد. اگر مسلمانان همان‌گونه که شرع الهی یعنی اسلام می‌خواست، زندگی می‌کردند امروزه اوضاع مسلمانان به طور اساسی متفاوت بود.

اسلام تلاش داشت سلطه اقویا را که در جامعه جاهلی حاکم بودند براندازد و این نقطه شروع طرح تغییر اجتماعی و اقتصادی دعوت اسلامی بود که هدف آن برپایی جامعه‌ای جدید مبتنی بر پایه‌های عدالت و مساوات و مسئولیت اجتماعی و ... است. حاکمان جامعه جاهلی متوجه اهداف دعوت اسلامی گردیدند و به مخالفت با آن برخاستند. در ابتدا این مخالفت ساده بود مثل انتقاد کلامی و استهزاء نمودن پیامبر(ص) و اتهام زدن‌های مختلف به وی؛ اما پس از آن به ترور و شکنجه و تحریم اقتصادی و توطئه‌ها و قتل و کشتار روی آوردند... و پس از آن به جنگ متوسل شدند. سران جامعه جاهلی همه این اقدامات را از آن رو مرتکب می‌شدند که هیچ اعتنایی به ارزش‌ها نداشتند و به تعبیر طه حسین همه چیز را برای خود مباح می‌دانستند،[1] به عبارت دیگر جنگ آن‌ها با محمد(ص) و اسلام نه به دلیل پایبندی آن‌ها به اعتقادات سابق خود بود بلکه سران قریش دین و بت‌ها را به ابزارهایی برای کسب ثروت و گسترش نفوذ خود تبدیل کرده بودند. همین سخن برای مسیونرهای استعمار جدید غرب نیز صدق می‌کند چرا که این افراد نه به خاطر عشق به حضرت مسیح(ع) بلکه برای منافع خاص

---

۱. الفتنه الکبری، ۱. عثمان، القاهره، دارالمعارف، ۱۹۹۶. ط ۱، ص ۸۱.

دیگری به تبلیغ مسیحیت میان مسلمانان می‌پردازند...از این رو وقتی پیامبر(ص) مبعوث شد، سران جاهلی تصور کردند که اهداف وی نیز همچون اهداف آن‌ها یعنی کسب قدرت و نفوذ مال و مکنت اجتماعی است و به او پیشنهاد ملک و مال و ... دادند که همان‌طور که معروف است پیامبر(ص) به آن‌ها پاسخ داد: «اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهید از رسالت خود دست نمی‌کشم.» این موضع برای سران جاهلی، با توجه به نوع تفکر و منطقشان عجیب بود.

اما تمام تلاش‌های مشرکین از قبیل تکذیب و اتهام به جنون و شکنجه پیروان پیامبر(ص) و تحریم اقتصادی و دیگر اقدامات آن‌ها و همین‌طور تلاش آن‌ها برای ترور پیامبر(ص) ناکام ماند و او به یثرب یا آن‌گونه که بعدها نامیده شد مدینه منوره، هجرت کرد. پیامبر(ص) در مدینه حکومت جدیدی را بر مبنای اسلام و ارزش‌های آن پایه‌گذاری کرد... ارزش‌هایی نظیر شورا، عدالت، مساوات و مقابله با ظلم و این‌که برترین جهاد اظهار کلمه حق در برابر حاکم جائر است... و این بدان دلیل بود که عدم مقابله با حاکم ظالم و محدود نساختن آن موجب پافشاری حاکم بر خطای خود و تحکیم و استمرار ظلم در میان جانشینان بعدی می‌شود. همین‌طور پیامبر(ص) میان انصار و مهاجرین عقد اخوت بست و میان مسلمانان روابط جدیدی برقرار ساخت که متفاوت از عصبیت‌های معروف قبیله‌ای بود.

مشرکان قریش به همراه یهودیان مدینه علیه مسلمانان توطئه کردند (علی‌رغم آنکه پیامبر(ص) دستور داده بود که روابط مسلمانان با غیر مسلمین باید بر اساس قواعد مستحکم صلح و الفت و همکاری باشد و با یهودیان نیز تا پیش از توطئه‌چینی آن‌ها این‌گونه تعامل می‌شد). در جنگ بدر مشرکین شکست خوردند و پس از آن پیروزی‌های پی در پی نصیب مسلمانان شد تا آن‌که مکه به فتح مسلمانان شکل گرفت و وضع به گونه‌ای

شد که می‌توان گفت امت اسلامی و حکومت اسلامی شکل گرفت و از آن پس تحقق به اصطلاح «امنیت اسلامی» ضروری گشت. اما تحقق این امر با موانع فراوانی روبرو بود که اولین آن‌ها نفاق و نیرنگ یهودیان بود به گونه‌ای که برخی از سران قریش و بسیاری از افراد عادی آن پس از آن‌که کاملاً از امکان شکست اسلام ناامید شدند تصمیم گرفتند بر موج اسلام سوار شوند و دین را برای آن‌که، در جامعه جدید نیز سرآمد بمانند، بپذیرند. این امر مانع از تحقق امنیت اسلامی گردید و چه بسا برخی این تصمیم را حتی پیش از فتح مکه گرفته بودند و بعید نیست که حتی برخی از آن‌ها نیز از همان آغاز دوره مدینه به عنوان ستون پنجم مشرکان قریش در مکه عمل می‌کردند ... چه کسی می‌داند؟ واقعیات و منطق جنگ‌ها و نیرنگ‌های شناخته شده زمان قدیم انجام چنین امری را دور از ذهن نمی‌دارد بلکه آن را محتمل می ساخت ... چرا که جنگ خدعه است و خدعه هم در جنگ و هم در سیاست کاربرد دارد... پیامبر(ص) به عنوان حاکم اولین جامعه اسلامی برای رفع ارزش‌های جاهلی و رسوم منفی موروثی از عصر جاهلی تلاش کرد. اما این آسان نبود و پیروان او از همان جنگ اُحد تعالیم پیامبر(ص) را فراموش کردند و به دنبال جمع‌آوری غنایم که یک عادت جاهلی معروف بود، افتادند... بارها مهاجر و انصار دچار اختلاف شدند و اگر پیامبر(ص) آن را حل نمی‌کرد هر یک به قبیله خود باز می‌گشتند و دوباره جماعت خود را تشکیل می‌دادند. بارها به تحقیر کسانی که ضعیف یا فقیرتر یا از طبقه پایین‌تر بودند، پرداختند و هر بار مورد توبیخ پیامبر(ص) قرار گرفتند و بارها پیامبر(ص) به آن‌ها هشدار داد که مبادا از مناصب خود برای دستیابی به اموال یا جایگاه و شخصیت استفاده کنند ... .

در آستانه فوت پیامبر(ص) (برخی از) صحابه به آن حضرت برای اعطای حکم فرماندهی (سپاه عازم به سوی شام) به زیدبن حارثه به خاطر

سن کم او و ضعف جایگاه اجتماعی او اعتراض کردند و این نیز اعتراض از میراث‌های جاهلی بود که خواسته و ناخواسته نزد (برخی از) صحابه باقی مانده بود.[...] در نتیجه به طور خلاصه و بدون تفصیل بیشتر می‌توان گفت که اداره حکومت در اسلام آن‌گونه که خداوند و پیامبر(ص) در نظر داشتند انجام نشده است و طبعاً امنیت اسلامی نیز آن‌گونه که باید محقق نشده است و در حال حاضر و پس از گذشت قرن‌ها و تحولاتی که همه می‌دانند، قرن ۲۱ فرا رسیده است و اسلام پس از فروپاشی اردوگاه کمونیسم [بزعم برخی] به دشمن درجه یک در نظر غرب که همواره به دنبال دشمن می‌گردد تا ملت‌های خود را به دنبال حکومت‌ها و شرکت‌های اقتصادی و سوءاستفاده کنندگان بزرگ بکشاند، تبدیل شده است. و این‌گونه اسلام از نظر غرب، دشمن و تروریست و عقب مانده تلقی می‌شود... اما وظیفه امروز مسلمانان چیست؟ به نظر می‌رسد اولین وظیفه مسلمانان همبستگی و برادری و گفتگوی سازنده و کنار گذاشتن تفرقه و اختلاف و هر آنچه که به آن دامن می‌زند، است.

افتخار نگارش یادداشت بر کتاب پیش رو که توسط استاد حمید حلمی‌زاده گردآوری و تنظیم شده است به من سپرده شده است و من پس از مطالعه دقیق آن افتخار نگارش این یادداشت را یافتم. کتاب شامل بر هشت بخش است که عبارتند از:

اول. دیدگاه امام خمینی(ره) درباره محو اسرائیل.

دوم. امنیت اسلامی: عناصر و ساز و کارهای تحکیم.

سوم. امنیت اسلامی از دیدگاه انقلاب ایران و نظام ایران.

چهارم. مجلس همکاری کشورهای اسلامی.

پنجم. طرح اسلام‌گرایی در میان عوامل خیزش و چالش‌های مواجهه.

ششم. توافق نامه‌های غیر قابل اجرا.

هفتم. تروریسم بین‌المللی و راهکارهای مقابله.

هشتم. اولویت‌های جهان اسلام در قرن ۲۱.

این‌ها همه بحث‌های متعددی است که هدف آن برافروختن گرمای گفتگو و فهم خویشتن و فهم دیگران برای مصون‌سازی جامعه مسلمان و حمایت و آماده‌سازی مطلوب امت متناسب با قرن پیش‌رو است که بسیاری از آنان انتظارات فراوانی دارند. اما آیا ما به این سطح و مرحله رسیده‌ایم؟ ... به نظر می رسد مسأله امنیت جامعه اسلامی و صلح و ثبات داخلی آن مسأله مرگ و زندگی امت است.

بدون تردید مشکل رژیم اسرائیل همچنان دملی دردناک در پهلوی امت اسلامی است. جنبش صهیونیسم بود که اسرائیل را شکل داد با این باور که دعوت یهود از نقاط پراکنده دنیا به فلسطین آن‌ها را از خطر حکومت کفار (مسیحی) و از یهودی ستیزی و هضم شدن در جوامع نجات می دهد و برای اولین مرتبه پس از دوهزار سال به آن‌ها فرصت ایجاد یک جامعه کامل یهودی را می‌دهد. در تکمیل آنچه که از اوضاع یهود در روسیه ذکر شد باید گفت که در طول سال‌های ۱۸۸۲-۱۹۱٤ سه میلیون یهودی از روسیه مهاجرت به سوی غرب مهاجرت کردند و اکثر آن‌ها به آمریکا و بخشی نیز به اروپا و بخش بسیار اندکی نیز در این برهه به فلسطین مهاجرت کردند... دلیل مهاجرت آن‌ها (آن‌گونه که خودشان ادعا می‌کنند) سیاست‌های یهودی ستیزی بود که حکومت تزاری پس از اقدامات یهودیان در روسیه (چنان‌که ذکر شد) اعمال می‌کرد. اولین مهاجران یهودی به فلسطین (یشوف) سکولار بودند و دین یهود عامل محرک آن‌ها برای مهاجرت به فلسطین نبود بلکه فضای قرن ۱۹ اروپا و پیدایش گرایش ناسیونالیسم در میان یهودیان برای تحقق خواسته تعیین سرنوشت خویش و دستیابی به آزادی در سایه شرایط

جدید سکولاریسم و لیبرالیسم عامل محرک آن‌ها در این دوره بود.[۱] صهیونیسم از همان ابتدا بر اهمیت ایجاد اکثریت یهودی در فلسطین تاکید می‌کرد زیرا به اعتقاد آن‌ها اقلیت ماندن یهود در میان اعراب مانع از تحقق امنیت برای یهودیان بود. در این زمینه موشه شاریت می‌گوید: «ایجاد یک جمعیت بزرگ از یهودیان (در فلسطین) به گونه‌ای که به حد کفایت برسند موجب می‌شود اعراب همواره به آن‌ها احساس احترام داشته باشند» (به عبارت دیگر به زعم خودشان موجب تحقق امنیت داخلی آن‌ها خواهد شد).

یهودیان مهاجرت خود به فلسطین را ادامه دادند تا آن‌که در سال ۱۹۹۱–۱۹۹۰ موج مهاجرت عظیمی از یهودیان اتحاد شوروی و اتیوپی به فلسطین شکل گرفت و بسیاری از صهیونیست‌ها معتقدند که آن دسته از یهودیانی که موفق به مهاجرت به اسرائیل (به تعبیر صهیونیست‌ها *آلیا* یا صعود) نشده‌اند یهودیت آن‌ها ناقص می‌ماند ... در این رابطه یعنی هویت یهودی نزاع داغ و شدیدی میان آن‌ها وجود دارد.

تقویت بعد مذهبی در اسرائیل این رژیم را به سمت حکومت شخصیت‌های صهیونیست مذهبی یا احزاب مورد حمایت این جریان می‌کشاند ... در سال ۱۹۸۸ پنجاه درصد آراء نصیب حزب لیکود و احزاب دست راستی شد و میزان آراء احزاب دینی افزایش یافت و این روند در دوران آریل شارون نیز ادامه یافت.

سوق یافتن اسرائیل به سوی پایه‌های مذهبی یهودی و پیروزی پی در پی احزاب دست راستی و مذهبی در آن برای ما قابل تأمل است ... زیرا ما در مرحله جدید، یعنی قرن ۲۱ قرار داریم؛ مرحله‌ای که آمریکا سعی دارد آن را کاملاً آمریکایی کند. این در وهله نخست در تناقض با اسرائیل و

---

۱. الشرق الاوسط البرید، اسعد صفر، طلاس للطباعه و النشر ۱۹۹۷.

دشمنی‌ها و نژادپرستی‌های آن است چنان‌که از سوی دیگر نیز اسرائیل در قرن جدید برای آمریکا ضروری نخواهد بود.

بر هیچ کس پوشیده نیست که تا این لحظه آمریکا در ارائه انواع حمایت‌های نظامی و لجستیکی و سیاسی و معنوی و انسانی و مادی به رژیم صهیونیستی تردیدی به خود راه نداده است؛ رژیمی که بدون توجه به حقوق ملت‌ها و قوانین بین‌المللی مدعی دفاع از حقوق ملت، در پیکره جهان عرب کاشته شده است. آمریکا آشکارا سیاست یک بام و دو هوا را در دفاع از خط مشی اسرائیل مبنی بر اشغال زورمدارانه سرزمین‌های دیگران در پیش گرفته است چنان‌که آمریکا خود نیز بدون مجوز هیچ قطع‌نامه بین‌المللی در این زمینه، عراق را اشغال کرد... اما با این وجود انتظار می‌رود آمریکا به تدریج خود از اسرائیل بی‌نیاز سازد و این موجب تقویت امنیت اسلامی خواهد بود. اما موضوع تروریسم که آمریکا مدعی مبارزه با آن است و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بسیار از آن صحبت می‌کند و اسلام و مسلمانان را مصداق آن می‌داند، مسأله‌ای است مهم که نویسندگان این کتاب از بحث محققانه مفید پیرامون آن فرو گزار نکرده‌اند و از وقایع افغانستان شروع کرده و به بحث پیرامون شرایط عراق پرداخته‌اند هر چند این گفتگوها بعضاً پیش از سقوط دراماتیک این کشور به چنگال اشغال آمریکا صورت گرفته است، سقوطی که پس از خروج این کشور از یوغ دیکتاتوری صورت گرفت. به عبارت دیگر عراق از استبداد به استعمار و بردگی یا از بند دیکتاتوری به اسارت استعمار کشیده شد به گونه‌ای که به هوای پناه گرفتن در گرمای آتش در آتش افتاد.

کتاب پیش‌رو مسلمانان را به طور خاص و همه ملت‌ها را به طور کلی به هشیاری نسبت به تحولات پیرامون و آگاهی چنگ زدن به آزادی و ریشه‌ها و اصول خویش [که منابع مهم قدرت نرم اسلامی هستند]، دعوت

می‌کند. چرا که همگی در صورتی که از ریشه‌های عمیق خود کنده شوند و به این سطحی نگری که مقصود آمریکاست وارد شوند در معرض تهدید و نابودی هستند. بسیاری از اندیشمندان که در این کتاب با آن‌ها گفتگو شده است، آمریکایی‌ها را به تجدید نظر درباره خود و احترام به آزادی ملت‌ها و حقوق و استقلال آن‌ها دعوت نموده‌اند و به تعامل فرهنگی حقیقی یا به عبارت دیگر ایجاد پل‌های میان فرهنگی و عدم تخریب پل‌های ارتباطی موجود و غرق ساختن مردم در سیلاب سرگردان آمریکا چنان‌که اکنون در عراق جاری است، فرا می‌خوانند.

کتاب حاضر فراخوان به سوی ضرورت تحقق امنیت اسلامی است. اما امنیت اسلامی چیست و عناصر و ساز و کارهای تحکیم آن کدام است؟ این موضوع دیگری است که محققان در این کتاب به بحث گذارده‌اند و نظرات خود را در این عرصه عرضه کرده‌اند.

چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «و خدا بر شما مثل آورد مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکفرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید تا آن‌که اهل شهر نعمت خدا را کفران کردند خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی را بر آن‌ها چشاند.» (نحل/۱۱۲)

بنابراین نقطه مقابل امنیت مطلوب دچار شدن به گرسنگی و بیمناکی است. به عبارت دیگر مقصود از امنیت، امنیت اقتصادی و امنیت سیاسی و امنیت فردی و امنیت مال و جان و آبرو و حالت عمومی امن در میان مردم است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «مسلمان کسی است که مردم از زبان و دست او آسایش داشته باشند»، یعنی هر کس امنیت عموم مردم را رعایت کند.

در این زمینه باید تاکید کرد که نوع دیگری از امنیت نیز برای فرد مسلمان وجود دارد که آن امنیت روحی و معنوی است که موجب تحکیم

مفاهیم اعتماد به نفس و عزم و اراده در درون افراد می‌شود. این عملیاتی است که خود انسان باید با عبادت و تسریع در امور خیر و با اخلاص و تزکیه نفس سعی کند آن را محقق سازد.

به طور خلاصه اینچنین امنیتی باید ابتدا از فرد شروع شود سپس از جامعه و در آخر از امت تا آنجا که به ساختار مشترک کشورهای اسلامی و حکومت‌های اسلامی نقاط مختلف جهان تبدیل شود تا به وسیله آن در حد ممکن و مقدور از نفوذ بیگانگان و تخریب‌های آنان که در حال ایجاد وضعیتی خطرناک است- که تمام امنیت اسلامی را تهدید می‌کند- ممانعت شود ... اما «خدا به کسانی از شما بندگان که ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده که در زمین خلافت دهد چنان‌که امم صالح پیامبران گذشته جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مومنان پس از خوف، اندیشه از دشمنان و ایمنی کامل دهد...» (نور/۵۵) همه ما موظفیم به بذل و بسیج و به حرکت درآوردن همه استعداد و امکانات موجود بالقوه یا بالفعل برای رساندن گام به گام امتمان به ساحل امنیت و سلامت.

اسلام از ابتدا و همچنان تا به امروز راهی بوده است به سوی عالم جدید همراه با زندگی سعادتمندانه و شامل تمام آنچه اقتضای صلاح و رستگاری انسان و رهایی او از فقر و جهل و تبعیض و منازعات و ناامنی‌ها و ناآرامی‌هااست. بنابراین اسلام دین انسانیت و اعتدال و تعقل و ضد ظلم و فساد و شرارت و دشمنی است و از این‌رو انسان مسلمان باید امنیت درونی و شخصی برای خود ایجاد کند، باید خود را بشناسد و با هوس‌ها و منیت و افزایش هواهای نفسانی در نفس خویش مقابله کند.

همچنین تحقق امنیت اسلام و مسلمانان در گرو تحقق عدالت اجتماعی و آزادی‌های مختلف و صلح عادلانه و روابط صحیح میان زن و مرد و

رعایت حقوق زن و حقوق کلیه افراد جامعه و روابط میان افراد جامعه و تنظیم روابط با سایر جوامع و ... و تزکیه نفس است که خداوند متعال می‌فرماید: «هر کس خود را تهذیب نمود رستگار شد.»

امروزه می‌بینیم که بشریت از همان امراضی که جامعه جاهلی در رنج بود، رنج می‌برد؛ از سلطه اقلیت ثروتمند بر اکثریت فقیر و اکثریت ملت‌های محروم از ثروت و پیشرفت علمی و امنیت، به گونه‌ای که در مناطق بسیاری جنگ شعله‌ور شده است و فساد به شدت رو به افزایش نهاده و مادی‌گرایی غرب مردم را فرا گرفته است و آمریکا به دنبال گسترش سلطه فرهنگ خود (که به تعبیر دکتر یوسف سلامه در دوره اخیر بی‌فرهنگی است نه فرهنگ) و جهانی ساختن خود و تمدن خود بر دیگر امت‌ها و ملت‌ها و قاره‌ها به جای گفتگوی فرهنگی و تسامح معرفتی و تبادل علمی و ادبی و تمدنی است.

امروز اسلام آمده است تا به جمیع انسان‌ها نیکی و امنیت و صلح را عرضه کند بدون این‌که پذیرش خود را بر احدی تحمیل کند. و همان‌طور که ذکر کردیم از نخستین امور برای تحقق این مهم آن است که ابتدا امنیت داخلی و روابط حسنه را میان پیروان خود و ملت‌ها و سایر گروه‌های داخلی خود برقرار سازد. با بشارت و خوشبینی به نیکی فراگیری که اسلام، اگر زمینه فراهم باشد، به ارمغان خواهد آورد. شما را به مطالعه این کتاب مهم دعوت می‌کنم.